

چرایی و چگونگی تعاملات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با روسیه

ابوذر ابراهیمی ترکمان^x

مقدمه

فدراسیون روسیه با ۱۷۰۷۵۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناورترین کشور جهان است. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی، مرز زمینی داشته و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد. حدود ۸ درصد (۱۱۵ میلیون نفر) از مردم روسیه از نژاد روس هستند و سایر نژادهای این کشور عبارتند از: تاتار، اوکراینی، چوواش، چچنی، ارمنی، ترک، داغستانی، مغول، آواری، اینگوش، چرکس، بالکار، اوستیایی، آذری، گرجی و...

با آنکه زبان رسمی روسیه، زبان روسی است ولی ۲۷ زبان رسمی دیگر نیز در جمهوری‌ها و مناطق خودگردان این کشور وجود دارد. روسیه ۲۱ جمهوری خودگردان دارد که بیشتر در جنوب غربی کشور (قفقاز شمالی) قرار دارند، که برخی از آنها مانند داغستان، تا حدود ۲۰۰ سال پیش جزئی از ایران بوده اند. روسیه فرهنگ پربراری دارد. روسیه تا پیش از قرن هجدهم یک حکومت نه چندان نیرومند در خاور اروپا بود و وسعت آن چندان زیاد نبود. تا اینکه در آغاز قرن ۱۸ میلادی و با اقداماتی که تزار پتر بزرگ برای غربی کردن و گسترش ارضی روسیه انجام داد، این کشور به یک امپراتوری پهناور و نیرومند تبدیل شد. در سال ۱۲۹۶ هجری خورشیدی (۱۹۱۷) انقلاب کمونیستی در این کشور به وقوع پیوست و نام کشور به «اتحاد جماهیر شوروی» تغییر یافت. در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) شوروی پس از جنگ سرد طولانی با غرب فروپاشید و فدراسیون روسیه به جای آن نشست.

شاخصه‌های فرهنگی روسیه

۱. شرقی بودن در عین تمایل به غرب
فرهنگ مردم روسیه برپایه فرهنگ شرقی، پی ریزی شده است و در سال‌های اخیر بر اثر آمیختگی نه چندان مطلوب با فرهنگ غربی، به فرهنگی با زیرینه شرقی و رویه غربی تبدیل شده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و رهایی جمهوری‌های آماده استقلال از مدارحکومت مرکزی، به یکباره پانزده کشور مستقل به کشورهای جهان افزوده شد. با این وجود هنوز هم فدراسیون روسیه به عنوان هسته اصلی باقیمانده از دوران دیوارهای آهنین، کشوری است که داشته‌هایش را در معادلات سیاسی و فرهنگی جهان موثر می‌داند چه

آنکه هنوز آموزه‌های فرهنگی در میان روس‌ها از آموزه‌های قابل احترام محسوب می‌شود.

لجام گسیختگی فرهنگ غرب هنوز نتوانسته است بر فرهنگ روس‌ها غلبه کند و زیرینه شرقی بودن فرهنگ روسیه این توان را داشته است که تاکنون در برابر هجوم فرهنگ غرب ایستادگی کند ولی در عین حال این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که به موازات حرکت چرخه‌های اقتصادی روسیه به سمت رژیم اقتصادی سرمایه داری، تاثیر پذیری فرهنگی از غرب نیز به وقوع خواهد پیوست. ضرب المثلی در میان روس‌ها وجود دارد با این مضمون که «روس‌ها اسب را خیلی دیر آماده می‌کنند اما وقتی سوار شدند خیلی سریع می‌تازند». این واقعیتی است که با تاخیر اسب‌های زین شده اقتصادی به سمت غرب، فرهنگ نیز از این مقوله پیروی خواهد کرد.

البته سیاست‌های فرهنگی روسیه در سال‌های پس از فروپاشی از تغییرات اساسی و حسب تبعیت از متغیرهای پدیدآمده، برخوردار بوده است. سال‌های دوران پیش از فروپاشی اقتضانات خاص خود را آنچنان بر پیکره فرهنگی این کشور گسترده بود که برون رفت از آن همه ساختار سازی و بی ریزی ساختارهای جدید آن هم با تنگناهای اقتصادی سال‌های آغازین پس از فروپاشی، دشوار می‌نمود ولی سیاست‌های اقتصادی موفق پوتین این دوران انتقال را به سرعت سپری کرد و اکنون متصدیان امور فرهنگی با بازیابی مجدد خود، توانسته اند راه‌های انتقال فرهنگی به دوران متناسب پس از فروپاشی را به سرعت طی کنند.

در سیاست‌های جدید فرهنگی که در سال ۲۰۰۸ میلادی رسماً منتشر شد، تصدی گری دولت به حداقل‌ها کاهش یافته است و توان بخش خصوصی و نهادهای مردمی به عنوان عنصر اصلی لحاظ شده است و جالب اینکه مذهب نیز در موضوعات فرهنگی مورد توجه دولت فدراسیون روسیه قرار گرفته است؛ امری که در دوران پیش از فروپاشی هرگز به آن توجه نمی‌شد. ابزارهای فرهنگی در سیاست‌های جدید فرهنگی روسیه، متنوع است؛ به گونه ای که آموزش و پرورش، ارشاد، تربیت، دانش فلسفی، اجتماعی و انسانی، مذهب، هنر تجسمی، نشر کتاب، کارهای مربوط به کتابخانه و موزه، ایدئولوژی و تبلیغات، موازین و اصول سیاسی و حقوقی، کلیشه‌های قومی، اجتماعی و مذهبی مردم، آداب و رسوم، افسانه‌ها، اخلاقیات و اولویت‌های زیباشناسی و اعتبار اجتماعی مورد توجه قرار گرفته اند. همچنین توجه ویژه به معنویات نیز در این منشور مورد عنایت

بوده است و به تنوع قومی، پیشرفت تحقیقات بنیادی علمی در رشته فرهنگ‌شناسی، تطابق هنری، تجربه تاریخی اجتماعی و میراث فرهنگی ملی با هدف مدرنیزاسیون اجتماعی - فرهنگی روسیه، مدل سازی الگوهای فرهنگی نیز توجه ویژه ای شده است. این نوع دغدغه درباره فرهنگ در فدراسیون روسیه از سوی دولت نشان از آن دارد که حفظ هویت فرهنگی شرقی و پیش‌گیری از استحاله فرهنگی مورد توجه سیاستگذاران فرهنگی کنونی روسیه است.

۲. بازگشت به هویت دینی

بر اثر انقلاب بلشویکی در سال ۱۹۱۷ میلادی، مذهب در روسیه نه تنها از شمار دغدغه‌های دولت خارج شد که حتی مبارزه جدی بر علیه آن شروع شد. به گونه ای که همراه براندازی تزار، مبارزه سرسختانه ای با کلیسا و اسلام و سایر ادیان آغاز شد. انقلاب بلشویکی توانست تزار را سرنگون سازد ولی مبارزه اش با مذهب ناکام ماند و اگرچه مذهب و مظاهر مذهبی به شدت ضعیف شدند ولی هرگز به نابودی نگرایی‌ها نرسیدند. از زمانی که کمونیست‌ها، مذهب را «افیون» توده‌ها معرفی کردند و به همین بهانه توانستند آموزش‌های مذهبی را ممنوع اعلام کنند، تا آن هنگام که به دستور لنین و تروتسکی کل اموال کلیسا و مساجد و معابد مصادره شد و بسیاری از کشیشان و روحانیون مسلمان اعدام شدند و برنامه‌های ۵ ساله برای زدودن دین از صحنه زندگی مردم به رهبری یاروسلافسکی آغاز شد، روزهای سختی برای متدینان به ادیان الهی گذشت؛ ولی هرگز سیاست دین زدایی نتوانست به نتیجه برسد و از همین رو با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تمام مظاهر دینی از حافظه تاریخی مردم به صحنه زندگی بازگردانده شدند و بازیابی و احیاء مجدد تشکیلات از بین رفته مذهبی، به همت متدینان واز همان آغازین روزهای پس از فروپاشی شوروی آغاز شد.

مسیحیان در احیاء کلیسا کوشیدند و مسلمانان در پی احیاء مساجد برآمدند. تشکیلاتی که کلیسای ارتدوکس به احیاء آن همت گماشت در اترحمایت‌های دولت به سرعت فراگیر شد و توانست برنامه‌های آموزشی خود را آغاز و نسبت به گسترش کلیساها و آموزه‌های دینی اقدام کند و حتی امروز توانسته است در تعاملش با دولت آموزش‌های کلیسا را به عنوان دروس اختیاری در سطح مدارس روسیه راه اندازی کند.

مسلمانان نیز با تاسیس شورای مفتیان، دانشگاه اسلامی در دو شهر مسکو و غازان، شبکه تلویزیونی و انتشار نشریات منظم توانستند بخشی از تشکیلات خود را بازسازی کنند. دین و مذهب اکنون به واقعیتی پذیرفته شده در معادلات رسمی تبدیل شده است و دولت مرکزی فدراسیون روسیه می‌کوشد تا در عین تلاش برای مهار افراطی‌گری ناشی از اقدامات متعصبانه، به حفظ تعادل در عرصه دین بپردازد. اکنون نفوذ

و گسترش وهابیت، از نگرانی‌های دولت محسوب می‌شود و بارها به طور رسمی از سوی دولت این نگرانی اعلام شده است.

نفوذ وهابیت به روسیه از سوی برخی از دانش‌آموختگان مسلمان این نواحی در عربستان انجام گرفت و دولت روسیه به سرعت پس از شناسایی، اقدامات تامینی را به منظور جلوگیری از نفوذ بیشتر آن را در دستور کار خود قرار داد. مسئولین دولت فدرال روسیه در آغازین روزهای پس از فروپاشی شاید به دلیل فقدان تجربه در اداره یک کشور دین باور، هرگز بر این باور نبودند که ممکن است آسیب‌های ادیان انحرافی تا به آن حد باشد که روزی ناگزیر شوند در نطق رسمی و از زبان مقام رسمی اعلام کنند که «بیش از هشتاد سازمان افراط‌گرای بین‌المللی وهابی در روسیه فعالیت دارند. هشتاد درصد اعضای این گروه‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند که مایه نگرانی است. این سازمان‌ها از وهابیت برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. تجزیه روسیه و ایجاد تفرقه مذهبی در جامعه این کشور از اهداف این گروه‌ها است.»

در آن زمان دولت روسیه اعلام کرد که «ماموران وزارت کشور و سازمان امنیت فدرال روسیه در سال جاری ۴۵ مرکز فعالیت این گونه سازمان‌ها را کشف کرده و ۲۴۵ عضو آنها را شناسایی کرده‌اند.» رییس جمهور خود مختار چچن نیز در تاریخ نهم بهمن ۸۶ پس از جنگ‌های پیدری پی چچن اعلام کرد که در چچن به وهابیت و تروریسم پایان داده است ایشان در مصاحبه با شبکه تلویزیونی Russia today گفت: «من رسماً اعلام می‌کنم که در خاک چچن وهابیت و تروریسم وجود ندارد و نخواهد داشت.» به نظر می‌رسد روسیه، امروزه به دلیل رنجش از اسلام‌طلبانی که زاینده افکار متعلق به وهابیت است، گشودن راه برای فعالیت مسلمانان و پیروان سایر ادیان آسمانی که براساس همزیستی مسالمت آمیز در جهت تبلیغ افکار خود اقدام می‌نمایند را به عنوان یک گزینه برتر برای رویارویی با اسلام‌گرایان افراطی برگزیده است و اساساً اجازه فعالیت به پیروان ادیان مختلف را گزینه خوبی برای جلوگیری از فعالیت‌های زیر زمینی تلقی می‌کند.

مردم روسیه عموماً به دنبال آرامش و پرهیز از دغدغه‌های اجتماعی برگرفته از آموزه‌های اعتقادی هستند و اساساً عملگرایی مردم روسیه به آموزه‌های دینی بیشتر متوجه آن بخش از آموزه‌های دینی است که زندگی و آرامش روزانه آنها به هم نخورد و به نظر نمی‌رسد که وهابیت افراطی گرا بتواند گستره نفوذ خود را در کوتاه مدت در این خطه افزایش دهد؛ زیرا قواعد و اصول فرقه وهابیت با بدیهیات اجتماعی بشریت در تضاد و با تفکر در ستیز است و به همین خاطر نمی‌تواند استمرار یابد. البته این نگرش به این معنی نیست که خطر گسترش وهابیت در روسیه و کشورهای آسیای مرکزی نادیده گرفته شود و اکنون دولت روسیه نیز

در پس نگرانی‌های خود از نفوذ این فرقه به اقدامات جلوگیری کننده روی آورده و به سرعت با نفوذ جریان‌های افراط‌گرایی در قلمرو خود مقابله می‌کند.

به نظر می‌رسد باور گسترش تشیع و آموزه‌های خرد پسند آن به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روس‌ها را به خردپذیر بودن آموزه‌های تشیع مطمئن ساخته است و بارها در ملاقات‌های خود با مسئولین کشورمان به تعادل اسلام شیعی اذعان کرده اند و از همین رو اکنون شیعیان که جمعیتی بالغ بر دویلمیون نفر در روسیه هستند، توانسته اند از تشکیلات منسجمی در روسیه برخوردار باشند و با ممانعت کمتری در برگزاری مراسم خود روبرو هستند.

۳. رویکرد به معنویت و اخلاق

در بخش اصول سیاست‌های جدید فرهنگی روسیه که در سال ۲۰۰۸ میلادی منتشر شده است به موارد زیر توجه جدی شده است:

الف) فرهنگ روسیه باید منعکس کننده ارزش‌های معنوی و جنبه‌ها و شاخص‌های اخلاقی آن باشد.

ب) فرهنگ روسیه باید بخش مهم سیاست اجتماعی باشد که در جوامع امروز فقط به صورت مجموعه کامل اجتماعی - فرهنگی - آموزشی ممکن می‌گردد.

ج) روسیه باید سیاست فرهنگی خود را با توجه و اولویت دادن به ارزش‌های معنوی و شاخص‌های اجتماعی و سبک زندگی افراد جامعه ایجاد کند.

توجه جدی به معنویت و اخلاق در سیاست‌های فرهنگی روسیه، برون ریز دغدغه‌های دور شدن از اخلاق و معنویت است. این توجه جدی نه برای تاسیس معنویت و اخلاق بلکه برای حفظ موجودیت معنویت و اخلاق کنونی است. از همین رو یکی از شاخصه‌های فرهنگی جامعه روسی توجه به معنویت و اخلاق است به ویژه این توجه در میان روس‌های اصیل و پا به سن گذاشته، بیش از سایر اقشار مشهود است.

چرایی تعاملات فرهنگی ایران با روسیه

چرایی تعاملات فرهنگی تعاملات فرهنگی ایران با روسیه پدیده ای نوظهور نیست، بلکه از سابقه طولانی برخوردار است. در اینجا به چند دلیل برای گسترش و تعمیق این تعاملات اشاره می‌کنیم:

۱. وجود زمینه دیپلماسی مردمی

اگر دیپلماسی مردمی را تلاش برای انتقال اطلاعات و پیام‌هایمان به مردم جهان بدانیم در این صورت دیپلماسی مردمی یکی از ابعاد مهم استراتژی امنیت ملی ما خواهد بود. این زمینه در گذشته برای کشورمان در روسیه وجود نداشته و در آینده نیز معلوم نیست که این زمینه تداوم بیابد ولی اکنون شرایط خوبی حاکم است و می‌توان از این شرایط استفاده کرد.

برنامه ریزی فرهنگی باید به گونه ای باشد که توانایی ما را برای اطلاع رسانی و تاثیر گذاری بر کشور تاثیر گذار روسیه در جهت منافع کشورمان تقویت کند و گفتگوی میان شهروندان و موسسات ایرانی را با هم‌تایان خود در روسیه توسعه ببخشد. اکنون در طی سال‌های اخیر تعاملات گسترده ای میان این گروه‌ها در دو کشور پدید آمده است. از مبادلات استاد و دانشجو گرفته تا تاسیس و تقویت کرسی‌های ایرانشناسی و هفته‌های فرهنگی توانسته است در گسترش دیپلماسی مردمی موثر باشد و حفظ و تعمیق این روند نیاز به توجه بیشتر مسئولین دارد.

۲. پتانسیل مسلمانان روسیه

براساس آمارهای رسمی اکنون بیش از بیست میلیون مسلمان در روسیه زندگی می‌کنند و این جمعیت چهار برابر مسلمانان ترکمنستان و سه برابر مسلمانان آذربایجان و چندین برابر برخی از کشورهای عربی است. ظرفیت عظیم مسلمانان و کشش آنان به سمت آموزه‌های خردپذیر اسلامی که به صورت روز افزونی رو به گسترش است و نیز سهم‌گیری مسلمانان از حکومت و ایجاد تشکیلات مستقل دینی و حضور در کابینه دولت روسیه، فرصت بسیار خوبی برآمده از اشتراکات دینی را پدید آورده است که نباید با غفلت از آن گذشت.

۳. تاثیر گذاری روسیه بر جهان

روسیه با آنکه در سال ۱۹۹۱ میلادی فروپاشید و پانزده کشور از جدایی مدار مرکزی اتحاد جماهیر شوروی پدید آمد ولی از تاثیر گذاری اش بر معادلات جهانی به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز کاسته نشد و هنوز نقش برادر بزرگتر را در مناطقی از جهان برای خود حفظ کرده است و در تعاملاتش با کشورهای اسلامی می‌کوشد تا روابط خوبی را که پایه گذاری کرده است حفظ کند. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز هنوز به دلیل برخورداری از فرهنگ مشترک پایه ریزی شده در زمان اتحاد جماهیر شوروی، تاثیر پذیری زیادی از فرهنگ و آموزه‌های فرهنگی روسیه دارند. گسترش تعاملات فرهنگی با روسیه به منزله گسترش تعاملات فرهنگی با آن کشورها نیز هست. بنابر این ج.ا.ایران می‌تواند تا حدودی منافع ملی خود را در آسیای مرکزی و قفقاز در سایه گسترش روابط فرهنگی با روسیه تامین کند.

۴. پویاسازی فرهنگ دو کشور

اساسا فرهنگ هر کشوری در تعامل با دیگر فرهنگ‌ها پویا می‌شود همانگونه که علم در اثر تعامل مستقیم دانشمندان و مراکز علمی پویایی خود را به دست می‌آورد، فرهنگ نیز به همین گونه است. وقتی مظاهر فرهنگی را مورد مذاقه قرار می‌دهیم، این نکته روشن می‌شود که خاستگاه فرهنگی هر پدیده فرهنگی حتی اگر در یک کشور باشد، بالندگی و پویایی اش در اثر تعامل با کشورهای دیگر به اوج می‌رسد. تعاملات

فرهنگی ایران و روسیه نیز در گذشته براساس باوری که دو کشور بر این تعامل داشتند، شکل گرفته است و تداوم آن نیز از همین باور پیروی می‌کند.

۵. نگرش همسان به تعامل فرهنگی

به رغم اینکه عکس‌العمل افراد ساکن در کشورهای مختلف در برابر ایده تعامل فرهنگ‌ها متفاوت است و شمار کسانی که عقیده دارند فرهنگ‌شان برترین فرهنگ جهان است با یکدیگر تفاوت دارد، اما تمامی مردم جهان بر این باورند که شیوه زندگی آنها برترین شیوه زندگی است و باید از فرهنگ خود در مقابل هجوم بیگانگان حمایت کنند. در اغلب کشورهای دنیا مناسب شمردن شیوه زندگی مرسوم، یک عقیده غالب بین تمامی نسل‌هاست، اگرچه نگرش جوانان در حفظ فرهنگ خودی با نسل مسن خود در اغلب کشورها متفاوت است. اما در روسیه نسبت حامیان فرهنگ خودی در بین نسل پیر و جوان تقریباً یکسان است. البته این بدین معنا نیست که تعامل فرهنگی مورد غفلت قرار گرفته باشد بلکه تعامل در عین حفظ فرهنگ خودی، مورد توجه جدی است. این نگرش در کشور ج.ا.ایران نیز وجود دارد و از همین رو هر دو کشور همگرایی در حفظ فرهنگ خودی در برابر فرهنگ بیگانه دارند و این وجه تعامل خوبی برای گسترش تعاملات فرهنگی به شمار می‌آید.

۶. فراخی عرصه تاثیر گذاری ج.ا.ایران در روسیه

ج.ا.ایران به دلیل برخوردار بودن از فرهنگ کهن و دیرینه اسلامی - ایرانی، توانسته است نظر مردم و شرقشناسان روس را به خود جلب کند. ترجمه و انتشار کتاب‌های بسیاری از اندیشمندان و شاعران ایرانی بی آنکه از پشتیبانی ایران برخوردار باشد خود دلیل گویایی بر توجه روس‌ها به فرهنگ ایرانی - اسلامی است. آموزه‌های ایرانی برای مردم روسیه از جذابیت خاصی برخوردار است. به گونه ای که هنوز خیام و مولانا و فردوسی و سعدی و حافظ از بسیاری از مشاهیر غربی در چشم روس‌ها از توجه و عنایت بیشتری برخوردار هستند. به نظر می‌رسد عرصه‌های تاثیر

گذاری بر فرهنگ روسیه بیش از عرصه‌های تاثیر پذیری برای کشورمان مهیا است و این در ایجاد و تحکیم دیپلماسی عمومی بسیار موثر است.

^x *زاین فرهنگي سفارت ج.ا.ایران در فدراسیون روسیه*